

بررسی انگیزه‌های دروغگویی

ارسالی از هیئت مشاوره تربیتی استان تهران



شهره‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی انگیزه‌های دروغگویی در
کودکان و نوجوانان و شناخت
راه حل‌های آن

مقدمه

شناخت رفتارهای ناهنجار و بیماری‌های اخلاقی و علل و انگیزه‌های آن و تحقیق و بررسی برای پیشگیری و اصلاح آنها از مسائلی است که از دیرباز نظر علمای اخلاق، روانشناسان و روانکاوان را بخود معطوف نموده است.

یکی از مهمترین مسائل و مشکلات اجتماعی در جوامع گوناگون ناهنجاری‌های رفتاری و روانی و روشهای مقابله با آنها میباشد.

در این میان بعضی از رفتارهای ناهنجار و بیماری‌های اخلاقی جنبه ریشه‌ای و اساسی دارند؛ بگونه‌ای که با پیدایش آنها بیماری‌های اخلاقی دیگری در فرد بروز می‌کند و بالطبع با اصلاح آنها مفاسد اخلاقی دیگری هم اصلاح میشود.

در اسلام برخی از گناهان و بیماری‌های اخلاقی باعتبار میزان زشتی و یا باعتبار پیوند و ارتباطشان با سایر گناهان در موقعیت خاصی قرار داده شده‌اند که دروغگویی یک نمونه بارز آن است.

امام حسن عسکری (علیه السلام) میفرماید:

جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتِ وَجَعَلْ
مِفْتَاحُهَا الْكُذْبُ.

«تمام پلیدیها در اطاقی قرار داده شده
وکلید آن دروغ است».

امام محمد باقر (علیه السلام) میفرماید:

الْكُذْبُ هُوَ خَرَابِ الْاِيْمَانِ.

«دروغ موجب خرابی ایمان است».

امیرالمؤمنین علی (ع) میفرماید:

لَا يَجِدُ عَبْدٌ حَقِيْقَةَ الْاِيْمَانِ حَتَّىٰ يَتْرُكَ

الْكُذْبَ هَزْلَةً وَجِدَّةً.

«هیچ بنده‌ای به حقیقت ایمان دست
نمی‌یابد مگر آنکه دروغگویی را ترک کند،
خواه جدی باشد یا شوخی»

در کتاب سفینه البحار مرحوم آقا شیخ
عباس قمی روایتی این چنین نقل شده

که دروغ نگویم. همین ترک دروغ مرا از
همه فسادها بازداشت.

از روایات ذکر شده چنین نتیجه گرفته
میشود که با اصلاح و ترک دروغگویی
بسیاری از زشتی‌ها و آلودگی‌های دیگر ترک
میشود و بعبارت دیگر بسیاری از مفاسد
اخلاقی با ترک دروغگویی بستگی مستقیم
دارد. از اینجا اهمیت بررسی علل و
انگیزه‌های دروغگویی و شناخت طرق
اصلاح آن آشکار میشود، بخصوص این که

است:

مردی نزد رسول خدا - صلی الله علیه
وآله - آمده عرض کرد یا رسول الله چیزی
بمن بیاموز که همه خیر دنیا و آخرت در آن
گردد آمده باشد. رسول خدا فرمود: «دروغ
مگو، آن مرد گفت: من بديها را بتدریج ترک
کردم، چون وقتی می‌خواستم کار زشتی را
انجام دهم از بازگویی آن عمل زشت بیم
داشتم و از طرف دیگر نمی‌خواستم بدو روغ
متوسل شوم و به پیامبر اسلام قول داده بودم

✱ امام محمد باقر (علیه السلام)
می فرماید:

«دروغ موجب خرابی ایمان
است.»

در اغلب مدارس مریبان از اینکه با
دانش آموزانی که به دروغگویی متوسل
میشوند مواجه میگردند، اظهار شکایت
میکنند و این امر کم و بیش در بین کودکان
و نوجوانان و متأسفانه در بین بزرگسالان دیده
میشود.

از طرفی بنظر میرسد در بین مفسد
اخلاقی به نسبت سایر بیماریهای روحی
زشتی و قباحت دروغگویی آنطور که هست
در نظر گرفته نشده است بطوریکه اگر فردی
هم دزدی کند و هم دروغ بگوید درجه اول
دزدی او کاری بس زشت و قبیح در نظر
گرفته میشود و درصدد اصلاح آن برمی آید و
احیاناً دروغگویی وی در درجه بعد قرار
میگیرد و گاهی هم اصلاً بدان توجه
نمیشود.

در حالیکه دروغ و دروغگویی از نظر
اسلام ام الخبائث و کلید پلیدیها محسوب
میشود. بنابراین اگر این بیماری اخلاقی در
کودکان و نوجوانان دقیقاً مورد توجه قرار
نگیرد و در اسرع وقت با دقت تمام و ظرافت
لازم برای اصلاح آن اقدام نشود، بصورت
یک عادت زشت باقی خواهد ماند و موجب
بروز مفسد اخلاقی دیگری خواهد شد.
با توجه به مطالب فوق و اهمیتی که این
موضوع دارد به بررسی و شناخت بیماری
اخلاقی دروغگویی و علل و انگیزه و طرق
حل آن بطور ايجاز و اختصار می پردازیم:

تعریف دروغ

از نظر لغت دروغ سخن نادرست،
گفتاری که حقیقت نداشته باشد و ضد
راست معنی شده است. دروغ برداز شخصی
است که سخنان دروغ میگوید، می نویسد
و با آنکه مطالب بی حقیقت را با آب و تاب
بیان می کند.

«دروغگویی یک بیماری روحی
خطرناکی است که شخص دروغگو

می کوشد با گفتار، با اشاره و رفتاری در نوشتار
خود واقعیتهای را غیر واقع یا غیر واقعیتهای را
واقع جلوه دهد.»

قباحت دروغ و اثرات آن در فرد و
اجتماع

دروغ را می توان ریشه و خمیرمایه
بسیاری از بدیها دانست از قبیل تهمت،
تقلب، خدعه و نیرنگ، شهادت باطل،
داوری نادرست، نفاق و مانند اینها. این
بیماری اخلاقی بحدی خطرناک است که
اگر در اسرع وقت درمان نشود، در فرصت
کوتاهی کودک دروغگو به سایر انحرافات
اخلاقی نیز آلوده خواهد شد و همانگونه
که در مقدمه ذکر شد ریشه بسیاری از
بدیهاست - در کتاب دعوات الراوندی از
رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده
است:

«مردی از رسول خدا پرسید آیا
مؤمن دزدی می کند؟ رسول خدا فرمود ممکن
است. آن شخص پرسید:

آیا مؤمن دروغ می گوید؟ رسول خدا
فرمود: خیر، شخص مؤمن دروغ نمی گوید
زیرا خداوند در قرآن میفرماید:

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِآيَاتِ اللَّهِ.

«همانا دروغ را کسی می گوید که به
آیات الهی ایمان ندارد.»

دروغ موجب گمراهی افراد است و
کسانی که به گفته خلاف واقع یک
دروغگو اعتماد کنند و آن را بپذیرند به
گمراهی می افتند. از علی علیه السلام نقل
شده است که:

إِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ
يَقْرَبُ غَلْبُكَ التَّعِيدُ وَيُعِيدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبُ.

«از دوستی کردن با دروغگو بپرهیزید
که او همچون سراب است دور را در نظر تو

● میل به انتقام گرفتن از والدین
دروغگوی فریب دهنده کودک
(بی وفا به وعده ها) یکی دیگر از
انگیزه های دروغ گفتن کودکان
است.

نزدیک و نزدیک را دور میسازد.»

از بررسی بعضی روایات که در باب
دروغ آمده است مشخص میشود که:

۱ - دروغ منشاء همه گناهان است.

۲ - دروغ با ایمان سازگار نیست.

۳ - دروغ نابود کننده سرمایه اطمینان
است.

۴ - دروغ از پستی نفس است.

لَا يُكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةٍ نَفْسِيَه
«دروغگو دروغ نمی گوید مگر بخاطر
پستی نفس خویش»،

فطرت انسان و دروغگویی

راستی یک امر طبیعی و فطری است و از
نهاد انسان مایه میگیرد. همه کس راستی و
راستگورا دوست دارد و از دروغ بیزار است،
حتی شخص دروغگو.

اگر کودک را بحال خود بگذارند طبعاً
راستگوتر بیت میشود و تنها علل و عوامل

خارجی است که او را از فطرت خدادادی
منحرف ساخته و به دروغگویی می کشاند.

دروغ گفتن به ذهن یک کودک خردسال
اصلاً خطور نمی کند، بعداً که با بزرگها
سروکار پیدا کرد، دروغ گفتن را از آنان یاد

میگیرد. بجهای که از فطرت اصلی منحرف
گشت و به دروغگویی عادت کرد، در بزرگی

ترک عادت برایش دشوار است و غالباً از آن
دست بردار نخواهد بود و آیه و روایت و بند و

اندرز چندان اثری در او نخواهد داشت.

آری تحقیقات دانشمندان همه حاکی
است که کودک هیچگونه آشنایی با دروغ

ندارد و این محیط خانواده یا مدرسه یا
اجتماع است که این زشتی را به او
می آموزد.

در روایات اسلامی این چنین وارد شده
است که صفحه ضمیر کودک از هر پلیدی

و آلودگی برکنار است و این محیط خارج
است که بدیها را باو یاد می دهد.

ارتباط دروغ با سایر بیماریهای
اخلاقی

همانگونه که گفته شد دروغ ریشه و
خمیرمایه بسیاری از بدیها و بیماریهای

اخلاقی است، این بیماریهای اخلاقی را از
جهتی میتوان دودسته تقسیم کرد:

الف: بدیها و گناہانی که ریشه و خمیر- مایه آن دروغ است، مانند:

۱- قلب

۲- فریب و خدعه

۳- ریا و تظاهر

۴- تهمت

۵- خلف وعده و پیمان شکنی

۶- نفاق

۷- خیانت در امانت

۸- شهادت باطل

۹- داوری نادرست

۱۰- کم فروشی

۱۱- احتکار و گرانفروشی

۱۲- کم کاری

ب: بدیها یا انحرافات و گناہانی که دروغ ریشه و خمیر مایه آن نیست لکن برای انجام آن شخص مرتکب، بدروغ متوسل میشود مانند: دزدی - شرب خمر - زنا - لواط - قتل نفس و...

بطور کلی کارهایی که از نظر شرع و عرف خلاف محسوب میشود (ضد ارزشها) شخص مرتکب پس از انجام عمل می‌کوشد به نوعی عمل خود را کتمان کند و از آشکار کردن واقیعت جلوگیری نماید.

انواع دروغهای کودکان - نوجوانان
دروغگویی را در کودکان از جهتی به دو دسته تقسیم می‌کنند:

۱- تعمدی

۲- تدافعی

روانشناسان دروغهای کودکان را به ۷ دسته تقسیم می‌کنند:

۱- دروغ بازی که با آن حوادث تخیلی یا بازی را به دیگران می‌باوراند.

۲- دروغ مبهم که از ناتوانی کودک در گزارش دقیق جزئیات یا مفاصله کردن یک مسئله بنا به پیشنهاد و تشویق فرد دیگر ناشی میشود.

۳- دروغ بوج که کودک جهت جلب توجه دیگران بکار میبرد.

۴- دروغ انتقامجویانه که از نفرت ناشی میشود.

۵- دروغ محدود که در نتیجه ترس از انضباط شدید تا تنبیه بدنی گفته میشود.

۶- دروغ خودخواهانه، دروغ حساب شده ای جهت گول زدن دیگران است تا کودک

آنچه را می‌خواهد بدست آورد.

۷- دروغ عرفی یا وفادارانه بمنظور حفظ و مراقبت از یک دوست.

در بین کودکان کم سن تر دروغگویی بیشتر جنبه خیالیافی و رویانندیشی دارد.

لازم به تذکر است که دروغ از جهات مختلف انواعی دارد و آنچه در بالا ذکر شد انواع دروغ کودکان است.^۱

بررسی علل دروغگویی در کودکان و نوجوانان

بدیهای است که برای از بین بردن دروغگویی شناخت علل و عوامل آن از مسائل بسیار ضروری است. لذا در این قسمت به ذکر علل دروغگویی و ریشه های آن می‌پردازیم.

*** ترس از مجازات و سرزنشهای پدر و مادر و مریبان از عوامل مهم دروغ است کودک برای فرار از تنبیه علیرغم احساس واقعی خود، رفتاری ساختگی و تصنعی در پیش می‌گیرد و دروغگویی آغاز می‌کند.**

لازم بیاد آوری است که در این رابطه آرای جمعی از دانشمندان بررسی گردید و علاوه برآنکه دیدگاههای مشترک آنها ذکر گردیده است، نظرات خاص آنها نیز آورده شده است تا خوانندگان محترم از آراء و نظرات مختلف آگاه شوند. ریشه های دروغگویی از طرفی مربوط به فرد است و از طرف دیگر مربوط به برخوردهای غیر صحیح خانواده یا معلمین و مریبان.

الف - علل دروغگویی فردی

۱- تخیل

چه بسیار مسائلی که کودکان به زبان می‌آورند و آن را حقیقت می‌شناسند در حالیکه خیالی بیش نیست.

توضیح اینکه: قدرت تخیل در کودکان بسیار نیرومند است و چه بسیار مسائل و

تصاویری را که او در ذهن می‌پروراند و بعد آن را بصورت تصویری نیرومند درمی‌آورد آنچنانکه گویی صحنه مورد خیال را در برابر چشم خود می‌بیند. براین اساس آنچه را که او می‌گوید و با قاطعیت هم می‌گوید اگر چه ظاهراً دروغ است ولی از نظر ذهن کودک درست و حتی عین واقع است.

او این نارسایی را دارد که بین عالم حقیقت و پندار تفاوتی قائل نمی‌شود و همانگونه که در ذهن می‌بیند بیان می‌کند.

۲- آرزو و رؤیا

گاهی طفل آرزوی داشتن چیزی را در دل می‌پروراند. از شدت میل و علاقه در وصول به آن خود را دست یافته بدان و در آن عالم گمان می‌یابد. این امر در آرزوهای اول و در لحظات اول برای طفل مشخص است که صورت واقعی ندارد. ولی بعدها شدت آرزوها و تلقین او را و امید دارد که مسائل خود را واقعی تلقی کند و آن را بیان دارد همان امری که مادر او می‌پنداریم.

زمانی هم این امر وجه دیگری دارد و آن اینکه بیان مسئله اگر چه دروغ است ولی او را اشباع و ارضاء می‌کند.

او آنقدر مسئله مورد آرزو را بزبان می‌آورد تا بدان برسد و یا از آن سیر شود. براین اساس چنین دروغی خود نوعی آرزوی طفل را نشان میدهد و برای بازسازی باید سعی در برآوردن آرزوی تعدیل آن کرد.

۳- آزمایش والدین

گاهی دروغگویی کودکان برای آزمایش والدین یا مریبان است، او می‌خواهد ببیند آنها در برابر چنان وضع مقدر چه عکس العملی نشان خواهند داد. اگر او فلان عمل را مرتکب شود، پدر و مادر چه خواهند کرد. بدین نظر کاری را که انجام نداده بدروغ می‌گوید انجام دادم.

۴- پستی و حقارت نفس

یکی از علل مهم و اساسی دروغگویی چه در خردسالان و چه در بزرگسالان پستی و حقارت نفس است.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل

شده است که:

لايَكْذِبُ الْكَاذِبُ الا مِنْ قَهَانَةٍ نَقِيَةٍ
«دروغگو دروغ نمی‌گوید مگر بخاطر
پستی نفس خودش»

۵ - احساس کمبود

گاهی کودک نسبت به دیگران احساس کمبود می‌نماید و برای جبران این کمبود بدروغ متوسل می‌شود. برخی از کودکان و نوجوانان از اظهار شغل پدر و مادر و محل تولد و موقعیت فامیلی خود احساس حقارت و کمبود مینمایند و برای رهایی از این ناراحتی‌ها به دروغ متوسل میشوند.

۶ - جلب نظر دیگران

گاهی در میان جمعی از مهمانان معمولاً کودک فراموش می‌شود. همه سرگرم کار و تلاش، صحبت یا بازی هستند به خود و بحث‌های خویش سرگرم میشوند بدون اینکه حساب کنند دل کوچکی هم در کنارشان می‌طلبد و انتظار شرکت در بحث و مذاکره را دارد. کودک برای اینکه جلب نظر کند و بگونه‌ای خود را وارد صحنه نماید بدروغ متوسل می‌شود و آن هم دروغی بزرگ و اغراق‌آمیز. مثلاً یکباره خبر تلخی را میدهد سخنی را می‌گوید که همه با نظرات اعجاب‌بدو بنگرند.

ب : علل دروغ‌گویی مربوط به خانواده و مریان

در این بخش ریشه‌های دروغ‌گویی بررسی می‌شود که قطعاً از برخوردی غیر صحیح و نادرست والدین یا مریان سرچشمه می‌گیرد.

(اگرچه عوامل دروغ‌گویی که در بخش اول بررسی شد نوعی به خانواده یا مریان مربوط می‌شود).

۱ - ترس

ترس از مجازات و سرزنشهای پدر و مادر و مریان از عوامل مهم دروغ است. کودک برای فرار از تنبیه علیرغم احساس واقعی خود رفتاری ساختگی و تصنعی در پیش می‌گیرد و دروغ‌گویی آغاز می‌کند. عبارت دیگر بازگو

*** مردی از رسول خدا پرسید آیا مؤمن دزدی می‌کند؟ رسول خدا فرمود ممکن است. آن شخص پرسید:**

آیا مؤمن دروغ می‌گوید؟ رسول خدا فرمود: خیر

کردن واقعیت در اکثر موارد نامطلوب و دردناک است؛ می‌ترسد اگر راست بگوید کتک بخورد یا مورد سرزنش و اهانت قرار گیرد. زمانی که کودک مرتکب لغزش می‌شود و خطایی از او سر می‌زند مثلاً لیوان از دستش می‌افتد و می‌شکند. میداند که پدر و مادر از او نمی‌گذرند، تنبیه می‌کنند و آنگاه برای فرار از تنبیه، شکستن لیوان را انکار می‌کند یا بدروغ می‌گوید برادر کوچکتر آنرا شکسته است. کلاً دروغ‌ها بیشتر به سبب ترس از مجازات و مورد مخالفت و استهزاء واقع شدن گفته می‌شود.

۲ - محیط خانه

اکثر دانشمندان و صاحب‌نظران مسائل تربیتی، یکی از علل عمده دروغ کودکان و نوجوانان و سایر افراد را والدین و مریان میدانند. اگر در محیط خانه دروغ باشد بچه‌ها این خوی ناپسند را از پدر و مادر یاد می‌گیرند.

۳ - سخت‌گیری پدر یا مادر یا مریی و توقع بیش از مقدار استعداد کودک داشتن

با توجه به اینکه والدین و مریان میدانند فلان کودک چندان استعدادی برای درس خواندن ندارد، توقع دارند همیشه فرزندشان بهترین نمره‌ها را داشته باشد. بلکه شاگرد اول باشد. چنین کودکی ممکن است به دروغ بگوید که نمره درسم خیلی خوب بوده و مثلاً در پرش شفاهی درس جغرافیا نمره ۲۰ گرفته‌ام درحالی‌که نمره واقعی او زنده می‌باشد.

۴ - برخورد خشن و سسؤال بیج کردن بچه‌ها بمنظور اعتراف به

جرم خود موجب دروغ‌گویی است.

زیرا کودک برای حفظ آبروی خویش حقیقت را کتمان می‌کند و عبارت دیگر فشار برای گفتن جزئیات دقیق یک امر غالباً درست نیست و می‌تواند زمینه‌ای برای دروغ‌گویی محسوب گردد.

۵ - تهدید کودک به چیزی که والدین یا مریی قصد انجام آنرا ندارند.

مثلاً پدر و یا مادر بفرزند خود می‌گوید اگر فلان کار را بکنی ترا می‌کشم یا می‌زنم یا تحویل پلیس می‌دهم یا ترا از خانه بیرون می‌کنم یا ترا به مهمانی نمیبرم و با این قبیل تهدیدهای دروغین کودک را به دروغ گفتن عادت میدهند بنابراین همان چیزی را باید به کودک گفت که قصد انجامش را دارید و درست هم هست که انجام دهید.

۶ - تبرئه فرزند

تبرئه فرزند خردسال از کار خلافی که کرده و آن عمل زشت را به دیگران حتی حیوانات و جمادات نسبت دادن.

مثلاً می‌گویند: حسن بچه خوبی است این کار را نکرده این کار بچه همسایه است و... درحالی‌که اینکار دو ضرر عمده دارد؛ از یک طرف دروغ‌گویی را به بچه تلقین می‌کنند و یاد میدهند و از طرف دیگر عملاً و قولاً به او یاد میدهند که میتوان کارهای خلاف و زشت را انجام داد و به گردن دیگران گذاشت.

۷ - اصرار بر دروغ‌گویی فرزند

اصرار و بازجویی در مورد اثبات دروغ کودک که موجب شرمندگی و رسوایی اوست و باعث بی‌باکی او در دروغ است.

۸ - برای انتقام گرفتن

میل به انتقام گرفتن از والدین دروغ‌گویی فریب دهنده کودک (بی‌وقا به وعده‌ها) یکی دیگر از انگیزه‌های دروغ گفتن کودکان است.

۹ - زمینه‌سازی و القای دروغ

در برخی موارد پدران و مادران زمینه دروغ‌گویی را بدست خود برای کودکان

فراهم میسازند، مثل اینکه دروغگویی را به آنان تلقین می نمایند.

از رسول اکرم صلی الله علیه وآله این چنین روایت شده است:

لَا تُلْقِنُوا الْكَيْدَ فَتَكْذِبُوا فَإِنَّ بَنِي يَعْقُوبَ لَمْ يَلْمُوا إِلَّا الذُّنْبَ بِأَنَّ كُلَّ الْإِنْسَانِ حَتَّى لَقْنَهُمْ آبُوهُمْ»

توضیح اینکه: فرزندان یعقوب نمی دانستند که مشکل آدم ربایی خود را (ریودن حضرت یوسف) چگونه توجیه کنند و این یعقوب پیامبر بود که راه گریز و فرار را به آنان تلقین نمود. روی این حساب پدران و مادران در سخنان خود باید کمال دقت را رعایت نمایند تا زمینه دروغگویی را بدست خود برای فرزندان خویش بوجود نیاورند. در واقع فرزندان یعقوب وقتی که از پدر تقاضا کردند تا یوسف را با آنها روانه کند تا به صحرا بروند حضرت یعقوب گفت: می ترسم که یوسف را گرگ بردرد.

فرزندان یعقوب پس از آنکه یوسف را در چاه انداختند برای تبرئه خود به دروغ گفتند که یوسف را گرگ دریده است.

شیوه های درمان دروغگویی در کودکان و نوجوانان

برای درمان دروغگویی در کودکان یا نوجوانان باید به موارد ذیل توجه کرد:

الف- علت دروغ

ب- هدف آن

ج- نوع آن

د- حالت دروغگو

و سپس به تدبیر در مورد آن پرداخت. برای اصلاح کودک و بازداشتن او از دروغگویی راهها و طرقی موجود است که هر کدام را بتناسب شرایط و موقعیت باید بکار بستن این راهها عبارتند از:

۱- نشان دادن ارزش راستی

کودک باید بفهمد که راستگویی دارای ارزش و دروغگویی کاری بی ارزش است. باید آثار و نتایج زشت دروغ را از طریق داستانها برای او بیان کرد تا بفهمد که دروغگویی چه رسوایی هایی دارد.

۲- ارائه الگوهای صداقت

باید پدران و مادران و مربیان راستگویی را

* باید پدران و مادران و مربیان راستگویی را پیشه خود سازند و برای فرزندانشان بهترین سرمشق باشند.

پیشه خود سازند و برای فرزندانشان بهترین سرمشق باشند. اصولاً کودک دروغ گفتن، پرخاش کردن، دزدی، خلف وعده و امانت اینها را فطرتاً برخلاف اخلاق می داند. وقتی پدر و مادر و مربی می خواهند در زمینه اخلاقی به کودکان خود کمک کنند باید از خود شروع نمایند. اگر بخواهند کودک آنها دروغ نگوید ابتدا باید خود راستگو باشند تا گرمی خواهند بود که آنها به عهد و پیمان خود عمل کنند باید به عهد و پیمان و وعده ای که به کودک میدهند وفا کنند.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

أَحْبَبُوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَأَذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئاً أَفْوَالَهُمْ

کودکان خود را دوست بدارید و با آنها مهربان باشید و به وعده ای که به آنها میدهند وفا نمایید.

برتر اند را سلی می گوید:

«اگر بخواهید بچه ها دروغ گفتن نیاموزند چاره ای نیست جز اینکه بزرگها با نهایت دقت در برابر بچه ها راستی را پیشه کنند» وای کاش راسل میگفت:

«در برابر بچه ها و در برابر هر کس، زیراتهاد پاک کودکان از هر دروغی متأثر میشود و حتی دروغهای پنهانی را بزودی کشف می کند.»

۳- مجازات غیر متناسب

در مواردی که از کودک اشتباه یا خطایی سر میزند، نباید او را مجازات غیر متناسب و بی دلیل کرد زیرا کودک برای فرار از مجازات مجبور میشود واقعیت را کتمان کند. بهتر است با نرمی و ملایمت او را پند و اندرز دهند و سفارش کنند که در کارهایش دقت و احتیاط کند.

۴- پرهیز از سؤال پیچ کردن کودک

در کارهای خلاف کودک نباید مانند یک پلیس خشن و گستاخ او را بازجویی و سؤال

پیچ کرد تا به جرم خودش اعتراف کند. بهتر است بدون سؤال و جواب به او بگویید: من از فلان کارت اطلاع دارم، مثلاً میدانم کتابی را که از دوستت به امانت گرفته بودی هنوز پس ندادی، این کار خوبی نیست، امانت مردم را در موقع مقرر باید به صاحبش رد کرد. والدین و مربیان نباید نقش یک کارآگاه را برای کودک بازی کنند و سؤالاً نشان از کودک نباید جنبه بازجویی داشته باشد که منجر به اعتراف بصورت یک دروغ و قلب واقعیتی شود. بعضی اینکه روشن شد سخن کودک دروغ است باید تندیه ها را بس کرد و به جستجوی علل پرداخت.

نوع سؤالات نباید بگونه ای باشد که طفل در یابد داریم میچ اورا می گیریم چون در آنصورت برای فرار از مسئله متوسل بدروغ خواهد شد.

۵- خودداری از تهدیدهای غیر منطقی

هیچگاه کودک را به چیزی که قصد انجامش را ندارد تهدید نکنید. مثلاً نگویند اگر فلان کار را نکنی ترا می کشم یا تحویل پلیس میدهم یا ترا از خانه بیرون می کنم و با این قبیل تهدیدهای دروغی کودک را به دروغ گفتن عادت میدهند.

در این رابطه مربیان نیز باید دقت کنند که در برخورد با دانش آموزان چیزی را که قصد انجامش را ندارند با تهدیدهای دروغی نگویند بلکه همان چیزی را بگویند که می خواهند انجام دهند و درست هم هست که انجام دهند.

۶- تطبیق انتظارات با توان کودک

پدران و مادران و معلمین نباید بیش از اندازه استعداد و توانایی از کودکان توقع داشته باشند و اگر مقدار استعداد او را بسنجند و توقعات بيمورد نداشته باشند، کودک بدروغگویی وادار نمیشود تا کم کم برایش عادی شود.

۷- عدم انتساب افعال بد کودک به غیر

نباید کاربرد کودکان را تبرئه کرد و بدیگران حتی حیوانات و جمادات نسبت داد. این مطلب در بخش بررسی علل دروغگویی

۸ - موعظه

نصیحت و موعظه بخصوص اگر در خفا انجام گیرد و با مهر و صفا توأم باشد در موارد بسیاری کارساز است. بکودک باید تفهیم شود که دروغگویی مورد نفرت والدین و دوستان و از همه مهمتر نارضایی خداوند است و سرانجامش رسوایی او و خانواده خواهد بود.

۹ - اجازة بیان احساس

کودک باید مجاز باشد که احساس خود را بصراحت بیان کند. در صورتیکه آن احساس زنده باشد به او تفهیم گردد که بتدریج آن را ترک کند و اگر برای هوقعیتی که بوجود آوردهیم چاره ای جز به زبان راندن امر مورد علاقه ما نداشته باشد، مرتکب اشتباه و خطا شده ایم. او بدون دلهره و هراس باید بتواند بگوید که مثلاً از فلان شخص متنفر است.

۱۰ - بخشیدن کودک

در مواردی کودک اشتباه می کند و راه خطا می رود، آنچه باید رعایت شود مراقبت از او برای عدم صدور خطاست. حال که خطایی پدید آمده ناگزیر باید برای او بخشیده و به او تفهیم کرد که نیازی به دروغ ندارد.

۱۱ - همدردی با کودک

کودکی که سرگرم بازی بوده و بر اثر آن لباسش پاره یا کتیف شده است نباید مورد بازخواست قرار گیرد مگر آنگاه که از قبل تذکرات لازم را به او داده باشیم و حتی اگر از قبل هم تذکری داده بودیم و عمل نکرد نباید تنبیه بدنی شود. حداکثر تنبیه او ملامت، هشدار، اخطار یا محروم کردن او از بازی برای دوروز است. در مواردی حتی لازم است با کودک همدردی کنیم به او تفهیم نماییم که فعلاً چاره ای ندارد که با همین لباس پاره بسازد.

۱۲ - سکوت

سکوت های معنی دار در موارد بسیاری از مچ گیری هم مفید تر و مؤثرتر است، با سکوت

خود به او تفهیم کنیم که دروغ تراهیمیدیم، با نگاه تأسف باره، با عدم خندهها چهره غم آلود به او نشان دهیم که دریافتیم حرفهایت از روی حساب نیست و تو داری دروغ می گویی. فی المثل کودکی که میخواهد تا ما را با دروغ خود بخنداند و یا به تعجب وادارد، در چنین موارد بهتر است با دروغ او نخندیم یا ابراز تعجب نکنیم یا با دنباله گیری از حرفها و سوالات به او نشان دهیم که دریافتیم حرفهایش بی اساس است.

۱۳ - اخطار

در مواردی که این روشها بی اثر بود، میتوان به اخطار و تهدید او پرداخت مثلاً به او اخطار می کنیم که از این بس ناگزیریم دروغ ترا با دوستان و بستگان تو بگوئیم به آنها بفهمانیم که حرفهای تویی بی اساس است تا آنها فریب نخورند

* دروغگویی های متعدد و متوالی نشان دهنده منشاء اضطرابی در کودک است که باید کوشید آن را پیدا کرد.

در همه حال باید با استفاده از ملاحظات و رودریاستی ها سعی بعمل آید که کار به این مرحله نکشد.

۱۴ - بر والدین و مربیان ضروری است که بین واقعیت و پندار کودک فرق بگذارند و هر سخن طفل را حمل بردروغ نکنند زیرا حتی ممکن است کودک صحنه ای را بخواب ببیند و آن را با قاطعیت بعنوان سخنی راست مطرح کند.

۱۵ - دروغگویی های متعدد و متوالی نشان دهنده منشاء اضطرابی در کودک است که باید کوشید آن را پیدا کرد.

۱۶ - ایجاد احساس مسئولیت در کودک یکی از راههای موفقیت آمیز است. این مسئولیت نباید جابرانه و برخلاف میل کودک باشد در این صورت کودک میدانند باید اینکار را بکند و از کار دیگری دوری جوید و خودش را مسئول اعمال خویش خواهد دانست، دیگر مجبور نیست دروغ بگوید و از خود دفاع کند.

۱۷ - هرگز با پرسشگری خود نباید زمینه را

برای دروغگویی کودک فراهم کرد. در همه حال باید محیط او را توأم با امنیت و آسایش خاطر کرد.

۱۸ - رفتار و کردار و نیز سخن خود را هماهنگ و همانند کنید، از شما بعنوان مربی سزاوار نیست که دروغی شنیده شود.

دربایان یاد آور میشویم که تحقیق و بررسی پیرامون موضوع دروغگویی بسیار مفصل است برای اطلاع بیشتر به کتابهایی که در پایان مقاله آورده شده است مراجعه کنید.

فهرست منابع

آئین تربیت - ابراهیم امینی، ص ۲۰۷-۲۰۶ تا ۲۱۳-۲۰۹
آئین زندگی و درسهای اخلاقی - جواد تهرانی، اسلام و تعلیم و تربیت - سید محمد باقر حجتی، ص ۲۰۱
بحار الانوار، ج ۷۲ - محمد باقر، مجلسی - ص ۲۶۲
بازسازی و تربیت کودکان - علی قائمی - ص ۱۹۷ تا ۲۰۲
تربیت از دیدگاه وحی - مجید رشید پور تهرانی، ص ۲۵۹-۲۵۸-۲۶۳
تکامل در پرتو اخلاق حج ۲۱-۲ - غلامرضا سلطانی، ص ۱۷۴
تربیت و بازسازی کودکان - علی قائمی، ص ۱۹۸-۱۹۹
تربیت کودک از دیدگاه اسلام - مجید رشید پور تهرانی، ص ۳۲۲-۴۲-۴۴
جامع السعادات
حدود دروغ - شهید آیه الله دستغیب
خانواده و نقش آن در تربیت - احمد حسینیان
دروغ - سید رضا صدر
رفتارهای بهنجار و ناهنجار - شکوه نوایی نژاد، ص ۶۰-۵۹-۶۱
سفینه البحار ج ۲ - حاج شیخ عباس قمی - ص ۴۲۳
شناخت اسلام - شهید بهشتی و باهنر - ص ۲۳۸
فنون تربیت کودک - عبدالله شفیع آبادی - ص ۲۱-۲۲
قرآن کریم (توبه، ۱۲)
گامی در مسیر تربیت اسلامی - رجبعلی مظلومی - ص ۵۱
گناهان کبیره ج ۱ - آیه الله دستغیب
وسائل الشیعه ج ۲، ص ۲۳۳-۲۳۴
وسائل الشیعه ج ۳ - ص ۱۳۴